

تراژدی اقتصادی

بندر شهید رجایی در آتش، مدیران در مراسم‌های بی‌خاصیت!

آتش‌سوزی گسترده در بندر شهید رجایی، قلب تپنده تجارت دریایی کشور، همچنان بدون مهار ادامه دارد؛ حادثه‌ای که علاوه بر خسارات مادی، بار دیگر ضعف آشکار مدیریت بحران در سطوح مختلف اجرایی کشور را به نمایش گذاشت.

گروه صنعت و تجارت - پایگاه اطلاع رسانی دریا و نفت، طبق آمار بندر شهید رجایی بیش از ۵۵ درصد صادرات و واردات غیرنفتی کشور و نزدیک به ۷۰ درصد کل عملیات کانتینری بنادر ایران را به دوش می‌کشد، و این به آن معناست که بخش بزرگی از صادرات و واردات کالا های نفت و غیر نفتی از طریق این بندر جابه جا می شود و تاثیر مهمی در اقتصاد کشور دارد. اما متأسفانه امروز در محاصره شعله‌های آتش و بی‌برنامگی مسئولان قرار گرفته است. حادثه‌ای که نه فقط یک بندر، که شاه‌رگ حیاتی اقتصاد کشور را به لرزه درآورده است.

در شرایطی که طبق استانداردهای جهانی، بنداری با این حجم از اهمیت باید به جدیدترین تجهیزات اطفای حریق و مدیریت بحران مجهز باشند، عدم آمادگی آشکار بندر شهید رجایی بار دیگر زنگ خطر را به صدا درآورد. ضعف زیرساخت‌های ایمنی، کندی واکنش اضطراری، فقدان آموزش‌های منظم پرسنل و نبود هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف، همگی در کنار هم بحران امروز را شکل دادند.

فاجعه بندر شهید رجایی چه در بعد انسانی و چه از بعد اقتصادی تصویری روشن از بی‌کفایتی و شعار زدگی کسانی است که سالها از میزی به میزی دیگر جابه جا می شوند و برای هیچ اشتباهی هرگز محاکمه نمی شوند!

مسئولانی که برای افتتاح کوچک‌ترین پروژه‌ها با دوربین و رسانه صف می‌بندند و جشن‌های پرزرق‌وبرق برگزار می‌کنند، امروز در این فاجعه ملی غایب‌اند. همان مدیرانی که هفته‌ها برای نصب یک تیر چراغ برق یا لایروبی یک جوی آب مراسم رسمی ترتیب می‌دهند، اکنون که بندر شهید رجایی در آتش بی‌تدبیری می‌سوزد، اثری از آنان نیست.

افکار عمومی حق دارند بپرسند:

چرا با وجود اهمیت راهبردی بندر شهید رجایی، استانداردهای مدیریت بحران در آن رعایت نشده است؟

چرا با این همه ادعا برای هوشمند سازی بنادر و ایمنی کاری انجام نشده است؟

چرا مجلس سکوت کرده و وزیر راه، را برای پاسخگویی احضار نمی کند؟

چرا بودجه‌های کلان تخصیص‌یافته برای توسعه بنادر، صرف تجهیز واحدهای آتش‌نشانی مدرن و تیم‌های واکنش سریع نشده است؟

تکلیف تاجرانی که سرمایه آنها در آتش سوخت چیست؟

براساس اطلاعات موجود، بندر شهید رجایی سالانه حدود ۱۰۰ میلیون تن کالا را تخلیه و بارگیری می‌کند و حدود ۸۵ درصد از ترانزیت دریایی کشور از طریق این بندر انجام می‌شود. آسیب به این مرکز حیاتی، تنها محدود به خسارات امروز نیست؛ تبعات اقتصادی این حادثه در ماه‌های آینده، در قالب کند شدن صادرات و واردات، افزایش هزینه‌های بیمه، و اختلال در زنجیره تامین کشور نمایان خواهد شد.

در تمام دنیا، مدیریت بحران یعنی پیشگیری، آمادگی و واکنش سریع. در کشور ما، اما ! بحران یعنی آزمون و خطای دوباره بر سر دارایی‌های ملی. امروز بندر شهید رجایی آتش گرفته، ولی آنچه بیش از آتش فیزیکی می‌سوزد، سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم به مدیران است.

آتش‌سوزی بندر شهید رجایی تنها یک حادثه صنعتی نیست بلکه ضعف ساختار مدیریت بحران در کشور است.

پس بهتر است اکنون به جای فرافکنی و مقصرسازی نیروهای میدانی، ساختار مدیریت بحران کشور به طور ریشه‌ای مورد بازنگری قرار گیرد. مسئولانی که تنها برای روزهای جشن و تبلیغ به میدان می‌آیند، در روزهای بحران بزرگ‌ترین غایبان صحنه‌اند؛ و این حقیقت تلخ، بار دیگر در بندر شهید رجایی آشکار شد. حالا بیشتر از هر زمان دیگری کشور نیازمند تحول در سیستم مدیریت بحران است. شاید حل این بحران را باید از مسوولان بی کفایت شروع کرد.